

پای پوش ایرانیان در نگاره های دوران ایلخانی، تیموری و صفوی*

□ دکتر ابوالقاسم دادور
□□ لیلا پور کاظمی

چکیده:

موضوع بحث این مقاله پیرامون پای پوش های ایران دوران اسلامی در نگاره های ادوار ایلخانان مغول، تیموری و صفویه است. آثار هنری و تاریخی م به این دوران بهترین گنجینه برای آگاهی یافتن از چگونگی طرح پای پوش ها است. کتبی نظیر تاریخ لباس و تاریخ هنر نگارگری نیز از منابع مناسب جهت مطالعه و بررسی این مقوله محسوب می شوند. زیرا که با داشتن دقت نظر لازم در آن ها می توان به ویژگی ها و جزئیات جالب توجهی در خصوص پای پوش های هر دوره پی برد. روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تاریخی است. در این راستا مطالب به طریق اسنادی و کتابخانه ای گردآوری شده است.

اهداف مقاله:

- (۱) بررسی سیر تحول پای پوش ها از دوره ایلخانان تا آخر صفویه.
- (۲) یافتن تأثیر و تأثرات متقابل پای پوش های نگارگری این دوران بر یکدیگر.

سوالات موردنظر:

- (۱) آیا پای پوش ها در نگارگری ایرانی دچار تغییر و تحول گشته اند؟
- (۲) چه اشتراکات و افتراقاتی میان پای پوش های ادوار نگارگری ایرانی وجود دارد؟ نتیجه حاصله از این نوشتار آشنایی و درک بهتر از جایگاه طراحی پای پوش در سرزمین تاریخی ایران است. از جهاتی دیگر با انجام چنین پژوهش هایی می توان به مقوله طراحی لباس آن دوران با دیدی تخصصی تر نگر بست که بخشی از پوشاک را به طور خاص مورد بررسی قرار می دهد.

واژگان کلیدی:

پای پوش ایرانیان، نگارگری، ایلخانی، تیموری، صفوی، فرم و ساختار.

□ تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۴/۱۵
□ تاریخ پذیرش: ۸۸/۶/۳۰



*این مقاله بر گرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان: «بررسی پای پوش های ایران از دوره پیش از اسلام تا عصر حاضر» در دانشکده هنر الزهرا دفاع شده است.

**دانشیار دانشکده هنر دانشگاه الزهرا ghadadvar@yahoo.com

***کارشناس ارشد پژوهش هنر دانشگاه الزهرا phoenixleila@yahoo.com

مقدمه:

پوشاک مردم هر قوم و سرزمینی بیانگر تمدن و فرهنگ آن است. در این راستا، پوشاک ایرانیان از غنای فرهنگی شایسته‌ای برخوردار است. این مقوله یکی از ارکان اصلی فرهنگی و ملی محسوب می‌شود. اما همچون بسیاری از عوامل فرهنگی دیگر با گذشت زمان و جاری شدن حوادث تاریخی از گزند آن در امان نمانده و دچار تغییراتی گشته است. بهتر است برای دستیابی به چگونگی این تغییر و تحولات، قطعات لباس را به صورت جز به جز مورد بررسی قرار داد. این فرایند کمک می‌کند که هر چه سریع‌تر بتوان از سیر تحول و تطور هر بخش از پوشاک آگاه شد. یکی از اجزاء مورد بحث پوشاک، پای پوش‌ها است که با کمی تأمل می‌توان به اهمیت آن پی برد. چنانچه اگر بشر امروزی به هر دلیلی آن را از زندگی خویش حذف نماید با مشکلاتی رو به رو خواهد گشت. بر همگان واضح است که از ابتدای تاریخ، ساکنان این مرز و بوم برای پوشش اعضای بدن اهمیت خاصی قائل بودند، زیرا که همواره این امر در فرهنگ و مذهب ایرانیان از برترین معیارهای انسانی محسوب می‌شده است. سلامتی، از جمله نعمات والایی است که از سوی پروردگار به بشر عنایت گردیده و از وظایف عمده انسانی است که در حفظ آن کوشا باشد. در این میان می‌توان پا را یکی از اعضای مهم بدن به شمار آورد تا آن‌جا که از آن به عنوان قلب دوم یاد کرده‌اند. از این رو دور از انتظار نیست که انسان‌های اولیه پوشش خاصی برای آن در نظر گرفته باشند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تاریخچه پیدایش کفش در ایران زمین نیز سابقه‌ای بس کهن دارد. قطعا اولین پوششی که بشر برای خود در نظر گرفت، تهیه شده از الیاف گیاهی بود. با گذشت زمان به دنبال اهلی کردن حیوانات و توسعه دام و طیور، از پوست حیوانات نیز در ساخت و تولید پای پوش‌های اولیه نیز بهره برد. از سویی دیگر با پرورش و تکامل قدرت خلاقه خویش توان تولید چرم را پیدا کرد، طوری که این ماده امروزه نیز از مهمترین جنسیت‌ها در ساخت و تولید کفش محسوب می‌شود. با این توصیفات ضروری به نظر می‌رسد که پیرامون پای پوش‌ها در طول تاریخ ایران، تحقیقاتی صورت گیرد. یکی از معیارهای اصلی این پژوهش دست‌یابی به آگاهی صحیح در خصوص طراحی پای پوش در ایران دوران اسلامی در محدوده زمانی سده هفتم / یازدهم است. قطعا با گذشت زمان، کفش نیز همچون سایر بخش‌های پوشاک در مسیر تکامل قدم نهاد و از حالت ابتدایی خویش که فرمی بسیار ساده و صندل مانند داشت، خارج گشت. همان‌گونه که در سطرهای پیشین توضیح داده شد، این نوشتار به معرفی پای پوش‌ها در سه دوره نام برده، می‌پردازد. برای این منظور ابتدا، پیش از شرح پای پوش‌ها توضیحات مختصری در حیطه موقعیت تاریخی ایران، در دوران مربوطه آورده شده است. سپس بر اساس مدارک مستند موجود، پای پوش‌های هر دوره معرفی گشته است. در این میان نگاره‌های به جا مانده از دوره‌های ایلخانی، تیموری و صفوی بهترین موارد جهت نمایش طرح کفش‌ها به حساب می‌آیند. از این میان نسخه‌های خطی جامع التواریخ، شاهنامه فردوسی (دموت)، عجایب المخلوقات قزوینی از دوره ایلخانی-خمس نظامی، ظفرنامه، شاهنامه اسکندر سلطان و منطق الطیر عطار از عهد تیموری و خمس تهامسی از دوره صفوی انتخاب گشته‌اند. علاوه بر این، در دوره صفوی نیز سیاحان بسیاری به ایران سفر کرده و مطالب ارزشمندی از خود به جا گذاشته‌اند که وقایع بسیاری از تاریخ این دوره را آشکار می‌سازد. در متن این توصیفات، به نکات ظریف و قابل توجهی چون طرح لباس آن زمان اشاره شده است. بنابراین در کنار نگاره‌ها، توضیحات مورخین، منبع معتبر دیگری به حساب می‌آید. در انتها نتیجه‌نهایی جهت یافتن تأثیر و تأثرات طرح‌ها بر یکدیگر با توجه به شباهت‌ها و افتراقات بیان شده است. لازم به ذکر است که در خلال این توصیفات از عناوینی چون پای پوش، کفش و یا حتی پای افزار استفاده گشته است که همگی دلالت بر همان پوشش مخصوص پا دارند. البته خاطر نشان می‌شود امروزه واژه کفش کاربرد بیشتری دارد.

پای پوش های دوران ایلخانی

سرزمین مغولستان در غرب آسیا، توسط کوه‌هایی سر به فلک کشیده، احاطه شده است. این سرزمین، محل استقرار اقوام بدوی و پرخاشگر مغول بوده است. در این میان، فردی به نام چنگیز خان تغییر و تحولاتی را در شیوه زندگی مغولان پدید آورد. ورود تهاجمی مغولان به ایران به سال ۶۱۶/۱۲۳۸ بر می‌گردد. چنگیز خان با سپاه عظیمی به ایران حمله ور شد و قسمت‌های شمال و شمال شرقی ایران را تصرف کرد. ایران در آن زمان از اوضاع آشفته‌ای برخوردار بود که این امر به پیشروی مغولان کمک فراوانی کرد. پس از چنگیز خان یکی از مستبدترین فرمانروایان مغول هلاکو خان نام داشت. لقب وی ایلخان یعنی، خان فرودست خان بزرگ، بود. از این رو سلسله‌ای که از این پس در ایران شکل گرفت، ایلخانان نامیده شد. هلاکو بغداد را متصرف شد و به خلافت عباسیان خاتمه داد. مغولان نیز همانند اعراب از فرهنگ ایران تأثیر گرفتند. از سویی دیگر به واسطه ارتباط با فرهنگ‌های مختلف نظیر اروپای مسیحی و چین، توانسته بودند هنرمندان، پیشه‌وران، دانشمندان و نویسندگان سرزمین‌های مختلف را به دربار خود جذب کنند و از این طریق بر فرهنگ و هنر ایران تأثیر بگذارند.^۱ در این دوره شاهد تأثیرات شگرفی از هنر شرق دور بر هنر ایران هستیم. بخشی از این تأثیرات در هنرهای نقاشی، سفالگری و فلزکاری به وضوح مشهود است. براساس تحقیقات انجام شده، این تأثیرات در پوشاک این عصر به ویژه سرپوش‌های آن نیز دیده شده است. «نگاره‌ها یا کتاب‌های مصوری که از این دوره در موزه‌های مختلف جهان وجود دارد مبین این مدعاست.»^۲ اما با مطالعه پای پوش‌های دوران ایلخانان ملاحظه می‌شود میزان تنوع آن‌ها به اندازه تنوع سرپوش‌ها نیست. برای درک این مطلب چندی از نگاره‌ها که گویای طرح پای پوش‌های مرسوم این دوره است، انتخاب و بررسی می‌شوند.

جامع التواریخ^۳ نسخه نفیس تاریخی در زمان سلطنت غازان خان در مکانی به نام ربع رشیدی در تبریز، مصور شده است. تصویر ۱ صحنه‌ای از این کتاب را به نمایش می‌گذارد که در آن ابراهیم پذیرای سه غریبه می‌شود. تاریخ این اثر به نیمه اول سده چهاردهم/هشتم بر می‌گردد. این نگاره جهت نمایش چکمه‌های نیم ساق مناسب است.



تصویر ۱ نمایش پای پوش نیم ساق، جامع التواریخ، سده چهاردهم/هشتم.

- ۱- شیرین، بیانی، مغولان و حکومت ایلخانی در ایران، سمت، تهران، ۱۳۸۴، صص ۷ و ۳۷ و ۴۱؛ شراتو، امیرتو - ارنست، گروه، هنر ایلخانی و تیموری، یعقوب آژند، مولی، تهران، ۱۳۸۴، صص ۳-۴.
- ۲- مهر آسا، غیبی، تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، هیرمند، تهران، ۱۳۸۵، ص ۳۸۵.
- ۳- این کتاب مصور درباره سرگذشت ملل مختلف از جمله مغولان است که دارای دو نسخه می‌باشد. یکی ۷۰ تصویر و دیگری ۱۰۰ تصویر دارد. (رویین، پاکباز، نقاشی ایران از دیر باز تا امروز، انتشارات زرین سیمین، تهران، ۱۳۸۰، ص ۶۰).

در تصویر ۲ برگی از شاهنامه فردوسی^۴ مشاهده می شود. از ویژگی های این نسخه ادبی تأثیرات خاور دور، در چهره ها، جنگ افزارها و جامگان مغولی و چینی است.^۵ در این تصویر، پادشاه در مقابل سه تن از شخصیت های داستان قرار گرفته است. او در لباسی فاخر به همراه چکمه های ساق بلند تزیینی، ترسیم شده است. تاریخ این اثر ۱۳۶۲/۷۴۰ است. در هیچ یک از کتاب های تاریخی مرتبط با پوشاک، به نوع تزیینات به کار رفته در کفش های این دوره اشاره مستقیم نشده است، اما می توان احتمال داد که همچون ادوار گذشته از سنگ های جواهر نشان و یا فلزات گرانبها در تزیین پای پوش ها استفاده شده است. در تصویر ۳، نگاره دیگری از این اثر ماندگار مشهود است که گویا صحنه ای از بازجویی زال را نشان می دهد. پادشاه در این مجلس نیز همچون سلاطین آن عهد، پای پوش هایی ساق بلند و مزین به پا دارد.



تصویر ۲ پای پوش های ساق بلند تزیین شده در پای سلطان، شاهنامه فردوسی، ۱۳۶۲/۷۴۰.



تصویر ۳ نمایی از پای پوش های ساق بلند، شاهنامه فردوسی، ۱۳۶۲/۷۴۰.



۴- این شاهنامه به نام خریدار آن در اوایل سده بیستم / چهاردهم "دموت" نام گرفت. شاهنامه دموت نقطه اوج پیشرفت نقاشی عهد ایلخانی است. (همان، ص ۶۴).

۵- همان، ص ۶۲.

تصویر ۴ نشانگر صحنه ای از نسخه ادبی عجایب المخلوقات قزوینی است. این نگاره مردی را در حال جمع آوری لوبیا نشان می دهد. او کفشی بدون ساق به پا دارد. تاریخ این اثر به اواخر سده چهاردهم/هشتم بر می گردد، که با کاهش نفوذ قدرت ایلخانان و به قدرت رسیدن جلالریان مصادف بود، که از آثار به جای مانده جلالریان می توان در ادامه بررسی پای پوش های دوره ایلخانی استفاده کرد. تصویر ۵ مربوط به برگ دیگری از شاهنامه است که در نیمه سده هشتم/چهاردهم در تبریز مصور شده است. از آن جا که زمان آن به حضور مغولان در ایران باز می گردد، می توان از آن به عنوان نمونه عالی دیگری جهت نمایش چکمه نیم ساق و کفشی بدون ساق استفاده کرد. این تصویر زال را در حال نشانه گیری مرغ دریایی، نزد ندیمه های رودابه نشان می دهد. در نگاه اول ممکن است کفش زال، چکمه ای برش دار، ساق بلند و دو رنگ به نظر آید، اما با کمی دقت این ابهام برطرف می شود. با توجه به اندک فاصله ای که ساق کفش از پشت پا دارد، می توان به طراحی خلاقانه ای از پای پوش های آن عصر رسید. بنابراین تفاوت این پای پوش بدون ساق در طراحی پشت پاشنه آن مشهود است. به این ترتیب که در سایر طرح ها دور تا دور دهانه کفش از برشی صاف و یکسان تشکیل شده، در حالی که قسمت پشت این کفش با برشی بلندتر از حد معمول طراحی شده است و همین امر در ایجاد طرحی متفاوت مؤثر بوده است. قطعاً این نوع کفش به نسبت نوع ساده آن استفاده کمتری داشته است و احتمالاً بیشتر توسط شخصیت های خاص استفاده می شده است.



تصویر ۴ پای پوش بدون ساق، عجایب المخلوقات قزوینی، اواخر سده چهاردهم/هشتم.



تصویر ۵ پای پوش بدون ساق در پای زال و چکمه نیم ساق ندیمه های ترک رودابه، شاهنامه فردوسی، نیمه سده هشتم/چهاردهم.

بررسی طرح پای پوش زنان، در اکثر نگاره ها قد لباس ها بلند است، اما با این وجود در نگاره ای از شاهنامه فردوسی که در تبریز مصور شده است، می توان تا حدودی در خصوص چگونگی طرح پای افزار زنان آن دوره اظهار نظر کرد. در تصویر ۶ چکمه های مادر رودابه را که به دلیل نشستن نمایان است، مشاهده می شود. بنابراین می توان حدس زد که زنان نیز مانند مردان از چکمه و حتی پای پوش های بدون ساق استفاده می کردند. اما جهت بررسی نمونه های بدون ساق بهتر است از نگاره های دوران تیموری استفاده شود. تعدادی از این تصاویر در ادامه بحث، در بخش تیموریان آورده شده است.

پای پوش های دوره تیموری

تیموریان آخرین سلسله بزرگ اسلامی بودند که از دشت های اوراسیا (ناحیه ای بین اروپا و آسیا) برخاستند. آن ها خود را به چنگیز خان مغول نسبت می دادند. تیمور سراسر عمر خود را به جنگ و خونریزی پرداخت. او پس از لشکر کشی ها و جنگ های طولانی مدت، توانست بخش های زیادی از ایران را تصرف کند. پس از او شاه رخ، پسرش به فرمانروایی رسید. در دوره صد ساله سلطنت شاه رخ، سلطان ابوسعید و سلطان حسین بایقرا، این شهر، مرکز تجمع هنرمندان و دانشمندان بود. هنرهایی نظیر کتاب سازی، نگارگری، تذهیب و خوشنویسی در این دوره به درجه اعلائی از شکوفایی می رسد. مردان بزرگی چون جامی، شاعر معروف، امیر علیشیر نوایی و بهزاد نقاش مشهور از منسوبان دربار سلطان حسین بایقرا بودند.^۶ به موجب حضور این فرهیختگان علم و هنر، آثار نفیسی از این دوره به جای مانده که نگارگری، بخشی از این آثار را تشکیل می دهند. این نگاره ها همچون زمان ایلخانان، منابع بسیار مهم بررسی پوشاک دوره محسوب می شوند. زیرا که اکثر وقایع تاریخی یا اسطوره ای در قالب پوشاک آن عصر مصور شده است. به منظور آشنایی با پای پوش های مرسوم در عصر تیموری به مطالعه تعدادی از این نگاره ها خواهیم پرداخت. تصویر ۷ کار بهزاد، یکی از نقاشان به نام عصر تیموری و مکتب هرات است. این نگاره متعلق به نسخه ادبی- تاریخی خمسه نظامی^۷ است. این تصویر بخشی از داستان کاخ خورنق را نشان می دهد که در آن کارگران در حال ساخت قصر هستند. تصویر نشان می دهد که اکثر کارگران پا برهنه هستند. اما در این صحنه دو تن کفش هایی از نوع بدون ساق به پا دارند. یکی از آن ها که در قسمت انتهایی داربست مشغول به کار است، کفش بدون ساق پوشیده و فرد دیگری در پایین داربست، مشغول کمک به سایرین، نیم چکمه ای به پا دارد. برای وضوح بهتر این بخش از تصاویر، قسمت هایی از آن به شکل مجزا در کنار تصویر اصلی به نمایش در آمده اند. نگاره بعدی به سبک هرات بخشی از تصویر مربوط به نسخه منطق الطیر عطار نیشابوری است. در این نگاره فردی را در حال بریدن چوب درخت مشاهده می شود که نیم چکمه ای نظیر آنچه که در تصویر قبل آمد، پوشیده است. ویژگی این نیم چکمه ها داشتن بندی نیک هایی در قسمت جلو ساق پا است. طراحی این نیم چکمه ها، خالی از خلاقیت نیست. برش های زاویه دار در طرفین آن ها بخشی از نوآوری در طراحی کفش های آن زمان محسوب می شود. (تصویر ۸)



تصویر ۶ نمایش چکمه سیاه در پای مادر رودابه، شاهنامه فردوسی، دوره تیموری.

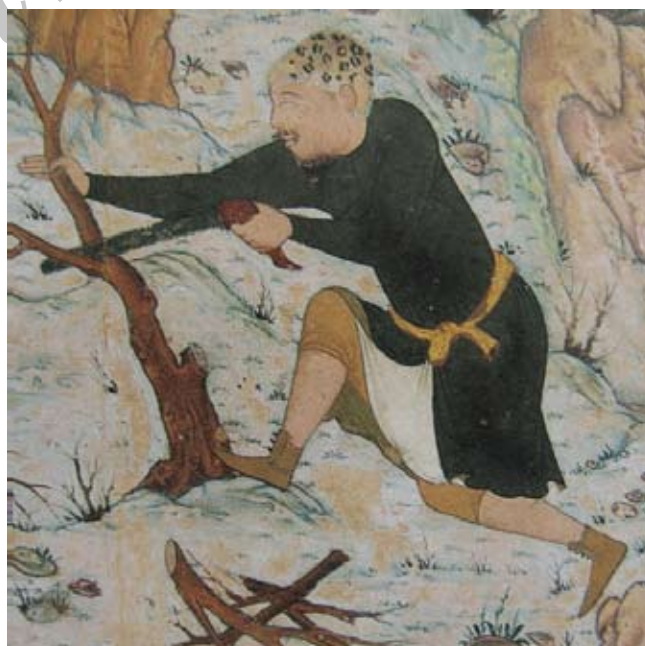


۶- کلیفورد، ادموند بوسورث، سلسله های اسلامی، فریدون پدره ای، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۱، صص ۲۴۷-۲۴۹، امیرتو، گروه، هنر ایلخانی و تیموری، پیشین، صص ۳۶-۳۵؛ حسین، میرجعفری، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران تیموریان، سمت، تهران، ۱۳۷۹، صص ۱۱۴ و ۱۲۷.

۷- این نسخه از خمسه نظامی حاوی ۲۲ تصویر است که در اواخر سده پانزدهم/نهم توسط بهزاد و شاگردان وی مصور شده است و در موزه بریتانیای لندن نگهداری می شود. (روبین، پاکباز، نقاشی ایرانی از دیرباز تا به امروز، ۱۳۸۰، ص ۸۱).



تصویر ۷ نمایش پای پوش بدون ساق و نیم ساق، خمسه نظامی دوره تیموری



تصویر ۸ نیم چکمه ای بندینک دار، منطق الطیر عطار نیشابوری، دوره تیموری.

در این دوره علاوه بر کفش‌های بدون ساق ساده، نوع بند دار آن نیز وجود داشته است. در صحنه‌ای از داستان خسرو و شیرین نظامی، فرهاد در مسیر کوه بیستون تصویر شده است که شیرین را سوار بر اسب حمل می‌کند. کفش بدون ساق فرهاد، طرحی مشابه برخی از کفش‌های امروزی دارد. این کفش دارای زبانه‌ای است که با بند بر روی سینه پا بسته می‌شود. از آن جا که تاریخ این نگاره به سده پانزدهم/ نهم برمی‌گردد می‌توان احتمال داد که این نوع کفش در دوره تیموری کاربرد داشته است. (تصویر ۹)

در داستان دیگری از خمسه نظامی، بهرام گور، در حال حمله به اژدها، با پای افزار و چکمه سفید ساق بلندی تصویر شده است. (تصویر ۱۰) این نوع پای افزار پاشنه کوچکی دارد و نوک پنجه آن تیز و اندکی به سمت بالا برگشته است. با بررسی نگاره‌های به جا مانده از دوره تیموری می‌توان به این نتیجه رسید که اکثر کفش‌ها چه از نوع ساق بلند و چه از نوع نیم ساق و حتی بدون ساق آن پاشنه‌دار بودند. تصویر ۱۱ بخش‌هایی از یک نگاره مربوط به نسخه‌ای ادبی- تاریخی ظفرنامه شرف الدین علی یزدی رانشان می‌دهد.^۸ در این جشن مردم عادی همراه با شخصیت‌های برجسته درباری در یک مراسم تشریفاتی در بلخ، در حضور تیمور جمع شده‌اند. همان طور که مشاهده می‌شود اکثر حضار، کفش‌های پاشنه دار به پا دارند.



تصویر ۹ پای پوش بند دار بدون ساق با رویه بلند در پای فرهاد، خمسه نظامی.



تصویر ۱۰ چکمه در پای بهرام گور، خمسه نظامی، دوره تیموری.

۸- ظفرنامه شرف الدین علی یزدی در زمان سلطان حسین بایقرا، سده پانزدهم/ نهم، به سفارش شاهرخ تیموری در هرات کار شده است (همان، ص ۸۶).



تصویر ۱۲ نمایش کفش بدون ساق با لبه کنگره دار، نقاشی روی ابریشم. سمرقند یا هرات.



تصویر ۱۱ انواع پای پوش های پاشنه دار نگاره دو قسمتی، ظفرنامه شرف الدین علی یزدی.

متأسفانه در این عهد، نیز همانند دوره ایلخانی جهت بررسی پای افزار زنان با کمبود تصویر مواجه هستیم زیرا که بر اثر بلند بودن پیراهن ها، طرح کفش ها مشخص نمی شود و در بعضی از موارد، تنها پنجه پا پیداست. اما در موارد اندکی که قد پیراهن تا ساق پای زنان است، پای پوش ها قابل رؤیت هستند. در ادامه بحث تعدادی از این تصاویر جهت نمایش طرح آن ها انتخاب شده است. بانوان تیموری در ایران بیشتر از کفش های بدون ساق استفاده می کردند. به نظر می رسد از نظر برش، دور تا دور دهانه کفش، در دو نوع ساده و کنگره دار دوخته می شده است. قطعه پارچه ابریشمی ارزشمندی از اواخر سده چهاردهم / هشتم در دارالطهر اسلامی کویت موجود است. این اثر حالتی متقارن و ساکن دارد. چهار شخصیت به نمایش درآمده در آن ملبس به پیراهن هایی زیبا و نقش دار هستند. پای پوش های آنان کفش هایی با لبه کنگره دار است. در بخش بزرگ نمایی شده از تصویر ۱۲ این مسئله قابل رؤیت است. نکته جالب توجه دیگری که می توان به آن اشاره کرد وجه اشتراک این طرح همچون بسیاری از طرح های دیگر، میان زنان و مردان است.

در یکی از صحنه های شاهنامه، مجلس بزم و پایکوبی بانوان تصویر شده است. این نگاره در واقع تجسمی از چگونگی مراسم جشن های دوره تیموری است. تاریخ این اثر به اوایل سده پانزدهم / نهم می رسد. همان گونه که ملاحظه می شود تمامی افراد، کفش های ساده و بدون ساق مشکی رنگ پوشیده اند.



تصویر ۱۳ پای پوش ساده و بدون ساق زنان، شاهنامه فردوسی.

نگاره دیگری که نمای بسیار واضحی از کفش زنان دارد، صحنه ای است که در آن عکس خسرو را به شیرین نشان می دهند. طرح پای پوش او و ندیمه هایش در قسمت بزرگنمایی شده، از نگاره مورد نظر واضح است. پنجه این پای پوش ها نوک تیز و رویه آن ها کوتاه است. (تصویر ۱۴)



تصویر ۱۴ پای پوش بدون ساق و نوک تیز زنان در صحنه نشان دادن عکس خسرو به شیرین، خمسه نظامی.





تصویر ۱۵ چکمه های رنگین در نگاره ای با عنوان زندانیان نزد خسرو، شاهنامه اسکندر سلطان.

با بررسی نگاره های دوران ایلخانی و تیموری می توان این گونه نتیجه گرفت که اکثر بانوان، پای پوش های سیاه به همراه جوراب های رنگین می پوشیدند. در خصوص نیم چکمه ها گویا رنگ قهوه ای روشن، بیش از سایر رنگ ها رواج داشته است، زیرا در اکثر تصاویر موجود، نیم چکمه ها به این رنگ می باشند و اما چکمه های ساق بلند در رنگ های متنوعی نظیر قرمز، سفید، زرد، بنفش نمایانده شده است. تصویر ۱۵ نگاره ای از شاهنامه اسکندر سلطان^۹ است که در آن زندانیان را به نزد خسرو آورده اند. این اثر انتخاب مناسبی از این نسخه تاریخی جهت نمایش رنگ ها تنوع است.

در کنار جوراب و کفش پوشش دیگری برای پا وجود داشت که صرفاً ساق پا را به ویژه در فصول سرد می پوشانند، این پوشش پاتابه یا مچ پیچ^{۱۰} نام داشت. در بخشی از نگاره منطق الطیر عطار که در این عصر تصویر سازی شده، مردی در لباس کارگری، در حال جمع آوری هیزم نشان داده شده است. او نوار پارچه ای یا همان پاتابه را به دور ساق پای خود بسته است. اثری از این پوشش از دوران قبل در نگاره ها یافت نشده است. اما این احتمال می رود که تاریخچه استعمال آن به ادوار پیشین برسد.



تصویر ۱۶ تصویر مچ پیچ، منطق الطیر عطار نیشابوری.

۹- شاهنامه اسکندر سلطان اواخر سده چهاردهم / هشتم در شیراز مصور شده است. این شاهنامه امروزه در لیبون نگهداری می شود. (روئین پاکباز، نقاشی ایرانی از دیر باز تا به امروز، پیشین، ۷۲).

۱۰- نواری پهن از جنس پارچه کلفت که مردان به دور ساق پای خود تا زیر زانو می پیچیدند. به آن پتک یا پایچ هم می گویند. (حسن، عمید، فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳، ص ۴۱۵).

پای پوش های دوره صفوی:

در تاریخ ایران پس از اسلام، عصر صفوی به لحاظ تحولات مهم سیاسی - اجتماعی نقطه عطفی محسوب می شود که با حکومت انقلابی شاه اسماعیل صفوی آغاز می گردد.^{۱۱} نوزایی ملی ایران در زمان صفویان، اول از همه در تبریز و سپس از اصفهان شروع شد و تأثیرات آن در همه قلمروهای حیات هنری احساس گردید.^{۱۲} سده های شانزدهم - هفدهم / دهم - یازدهم اهمیت خاصی در تاریخ ایران دارد. فرهنگ ایران در این ادوار وارد عرصه جدیدی از شکوه و عظمت گردید. یکی از مشخصه های دوره صفوی برقراری ارتباط نزدیک ایران با سایر ممالک خاور نزدیک، نظیر چین، اروپا و دربارهای سلطنتی آن است. اما اوج قدرت سیاسی و فرهنگی اروپاییان مربوط به دوره سلطنت شاه عباس اول است. این دوره با سلطنت حکمرانان بزرگی چون الیزابت اول - ملکه انگلیس، فیلیپ دوم - شاه اسپانیا، ایوان مخوف - امپراتور روسیه و اکبر - امپراتور مغول هند مقارن بود. به تدریج این شکوه و عظمت بعد از مرگ شاه عباس دوم در سال ۱۶۹۹ / ۱۰۷۷ رو به زوال نهاد تا جایی که در سال ۱۷۶۹ / ۱۱۴۵ حکومت واقعی صفوی به پایان می رسد.^{۱۳}

برای قرار گرفتن در مسیر اصلی پژوهش یعنی بررسی پای پوش ها، باید به این نکته توجه کرد که به تبع هر گونه تحولی در فرهنگ و هنر این دوره، تغییراتی در نحوه پوشش مردم آن زمان رخ نموده است. استاد ضیاء پور معتقد است در این دوره اساس ساختار پوشاک تغییر نمی کند بلکه این تغییرات در تزیینات و برخی قسمت های پوشاک محسوس می شود.^{۱۴} تغییرات مربوط به پای پوش ها را می توان این گونه قلمداد کرد که بیشتر از نوع بدون ساق آن استفاده می شد. اما این گفتار هرگز به معنای عدم استفاده از چکمه و یا نیم چکمه نیست، بلکه در این برهه از تاریخ با توجه به تصاویر موجود در صفحات آتی، از این نوع پای افزار نیز استفاده می شده است. بهترین اسناد برای پی بردن به تنوع پای پوش ها در این دوره، نگاره های مکتب دوم تبریز، آثار رضا عباسی و سایر هنرمندان به نام و همچنین تصاویر موجود در سفرنامه های ایرانیان و پوشاک آنان است. علاوه بر این، توضیحات بسیاری از این سیاحان در زمینه پوشاک به معرفی هر چه بهتر و دقیق تر این مقوله کمک شایانی می کند. به طور کلی کفش مرد و زن در این دوره شبیه به یکدیگر است. مهرآبادی به نقل از «فیگوترا»^{۱۵} به توضیحات جالب توجهی از کفش مردان و زنان دوره شاه عباس بزرگ صفوی اشاره می کند: «[او] اظهار داشته است غالب کفشها نوک باریکند و قسمت جلو آنها از عقب بلندتر است. میخهای ریز بسیاری به تخت آنها زده شده است.»^{۱۶} او از نظر رنگ و جنس. آن ها را رنگین، سفت و سخت خوانده است. رویه این کفش ها را کوتاه همچون کفش های سریایی (راحتی) داخل منزل که استفاده از آنان بسیار آسان است، تعریف کرده است. تاورنیه^{۱۷} سیاح دیگر می نویسد: « کفش ایرانیان [اعم از مرد و زن] ساغری یا تیماج بدون پاشنه مثل کفشهای راحتی زنانه ما است و در زیر پاشنه نعل آهنی می زدند چون ایرانیان باید هر لحظه کفش را کنده و روی فرش اطاق بروند، کفش بی پاشنه برای آنان راحت تر است.»^{۱۸}

«دلاواله»^{۱۹} نیز در نوشته هایش کندن کفش در مشرق زمین را نشانه رعایت ادب ندانسته بلکه چنین عنوان کرده که «این عمل در مشرق زمین به منظور رعایت پاکیزگی و بیشتر برای راحتی است. زیرا کف کفش ها پرمیخ و پشت آن بلند است و در نتیجه اگر کسی با آن بنشیند فوق العاده ناراحت می شود به این مناسبت روی قالی همیشه بدون کفش راه می روند و فقط در خیابان آن را به پا می کنند.»^{۲۰} علاوه بر این دلاواله بر جنسیت سخت کفش ها و رنگ سبز آن ها اشاره داشته است. در قسمتی از کتابش عنوان می کند: «من ترجیح می دهم مانند مردم عادی پاپوشی که از ریسمان ظریفی بافته شده به پا کنم.»^{۲۱} قطعاً منظور دلاواله از این پای پوش همان کفش سبک با عنوان گیوه است. «شاردن»^{۲۲} نیز نظریات جالب توجهی در مورد پای افزارها دارد: کفش ایرانیان گوناگون است و هرگز از پهلو باز نمی شود. همه را از پاشنه نعل می کنند و پنجه تختش را با میخ های ریزی مجهز می نمایند تا مدتی دوام یابد. شکل کفش های اشخاص عالی مقام مانند پانتوفل (دم پای راحتی) بانوان است. این کفش ها ساغری سبز و یا به رنگ های دیگر است. تخت کفش همیشه ساده و به مانند مقوایی نازک می باشد ولی از حیث استحکام بهترین چرم جهان است. فقط این قسم کفش دارای پاشنه است، [بقیه همواره بدون پاشنه هستند. رویه بعضی چرمین و برخی منسوج و پنبه ای است که مانند جوراب های اروپاییان با میله بافته می شود و این کفش ها را گیوه می نامند.]^{۲۳}

۱۱- حسن، کریمیان، مژگان، جایز، تحولات ایران در عصر صفوی و نمود آن در هنر نگارگری، هنر اسلامی، سال چهارم، شماره هفتم، ۱۳۸۶، ص ۶۵.

۱۲- ارنست، کونل، هنر اسلامی، ترجمه: یعقوب آژند، مولی، تهران، ۱۳۸۰، ص ۹.

۱۳- کلیفورد، ادموند بوسورث، سلسله های اسلامی، فریدون بدره ای، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۱، صص ۲۵۸-۲۵۷.

۱۴- جلیل، ضیاء پور، پوشاک ایرانیان از چهارده سده پیش، وزارت فرهنگ و هنر، تهران، بی تا، ص ۳۸۵.

۱۵- میترا، مهرآبادی، زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی، نشر آفرینش، نشر روزگار، تهران، ۱۳۷۲، ص ۳۸.

۱۶- ژان - باتیست تاورنیه (۱۶۸۹-۱۶۰۵) جهانگرد بازرگان معروف فرانسوی که بارها به ایران و مشرق زمین سفر کرد. سفرنامه او در شرح وقایع دوره صفویه حائز اهمیت است. (محمد، معین، فرهنگ فارسی، ج ۵، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۲، ص ۳۷۵).

۱۷- ژان باتیست، تاورنیه، سفرنامه تاورنیه، ابوتراب غفاری، انتشارات کتابخانه سنایی، تهران، ۱۳۶۳، ص ۶۲۶.

۱۸- پیترو دلاواله (۱۶۵۲-۱۵۸۶) در خانواده ای اشرافی در رم به دنیا آمد. در دوره سلطنت شاه عباس بزرگ به مدت شش سال در ایران اقامت داشت در چندین سفر از ملازمان وی بود برای اطلاع بیشتر رک. پیترو، دلاواله، سفرنامه دلاواله، شعاع الدین شفا، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۰، صص ۲۳-۱۳.

۱۹- همان، صص ۲۲۸ و ۱۴۶.

۲۰- همان.

۲۱- ژان شاردن (۱۷۱۳-۱۶۴۳)، سیاح معروف فرانسوی، متولد پاریس، دو بار به ایران سفر کرد. در سیاحتنامه وی اطلاعات سودمند راجع به عهد صفویه مندرج است. (محمد، معین، فرهنگ فارسی، ج ۵، ۱۳۸۲، ص ۸۵۹).

۲۲- ژان، شارن، سیاحتنامه شاردن ج ۴، محمد عباسی، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۳۶، صص ۲۱۳.

با توجه به نکات گفته شده می توان تشخیص داد که انواع کفش های بدون ساق، در دو نوع پاشنه دار و بدون پاشنه و در فرم کفش های راحتی، بدون قسمت پشت، استفاده می شد. جنس آن ها نیز از چرم های سخت بود، اما گیوه ها از نخ های پنبه ای بافته می شد. رنگ آن ها متنوع بود ولیکن رنگ سبز رواج بیشتری داشت. برای آشنایی بیشتر با کفش های این دوره به نمونه های تصویری زیر توجه شود. در تصویر ۱۷ طرحی از مردی ایرانی عهد صفوی، در پوشاک آن زمان دیده می شود. تصویر ۱۸ نیز تاورنیه را در پوشش مردان ایرانی دوره صفوی نشان می دهد. در هر دو تصویر پای پوش ها، از نوع راحتی یعنی بدون قسمت پشت و پاشنه دار، با رویه ای بلند با برشی هشت گونه بر روی سینه پا هستند.



تصویر ۱۷- مرد ایرانی در لباس و پای پوش هایی به شکل کفش راحتی، دوره صفویه.



تصویر ۱۸ تاورنیه در پوشاک و پای پوش های مرسوم دوره صفویه.

طرحی از یک زن اروپایی از دوره شاه سلیمان صفوی در تصویر ۱۹ دیده می شود. سبک این طراحی، برداشتی از نقاشی های غربی است. با این وجود او در جامه بانوان عهد صفوی ترسیم شده است و کفش هایی پاشنه بلند به شکل راحتی به پا دارد. دو شاهزاده جوان از اوایل دوره صفوی در تصویر ۲۰ به سبک مکتب تبریز/قزوین (۴) نقاشی شده اند. آن ها نمونه ای دیگر از کفش های بدون ساق و راحتی شکل بدون پاشنه را به پا دارند. تصویر ۲۱ طرحی سیاه قلم به سبک مکتب اصفهان از یک دختر جوان است. او کفش هایی نظیر کفش دو شاهزاده به پا دارد. طرح دیگری از این کفش بدون پشت و پاشنه در کاری از محمد حسین از طراحان مکتب اصفهان در تصویر ۲۲ آمده است. در این طراحی، دختر جوانی در حال حمل کوزه طراحی شده است. تفاوت بارزی که میان طرح پای پوش وی با طرح های قبلی دیده می شود، در بخشی از تصویر که بزرگ گشته به شکل واضحی آشکار است. این تفاوت به نوع برش هشتی شکل و خلاقانه آن در طرفین پای پوش محدود می شود.



تصویر ۱۹ کفش های بدون ساق و پاشنه دار ایرانی در پای یک زن اروپایی اصفهان.



تصویر ۲۱ دختر جوان با کفش هایی به سبک راحتی، اصفهان.



تصویر ۲۰ دو شاهزاده جوان با کفش هایی به سبک راحتی، بدون پاشنه، تبریز/قزوین.



تصویر ۲۲ پای پوش هایی به سبک راحتی در طراحی سیاه قلم از محمد حسین، اصفهان.

اما بر اساس آنچه که در پیش این گیوه آمد، در این دوره از گیوه نیز استفاده می شد. البته این احتمال وجود دارد که در اوایل دوره صفوی، بیشتر میان مردم عادی مرسوم بوده اما با گذشت زمان، استعمال آن اندک اندک فقرا و یا درویش محدود شد. طوریکه امروزه گیوه یک پای پوش کاملاً سنتی محسوب می شود. در تصویر ۲۳ نگاره ای که احتمال دارد به سبک مکتب اصفهان باشد، نقاشی شده، در این اثر، جوانی در لباس شکار با گیوه های سفید رنگی، شبیه گیوه های امروزی مشاهده می شود.



تصویر ۲۴ چکمه ای ساق بلند با پنجه ای نوک تیز در پای شاه عباس سوار بر اسب، اصفهان.



تصویر ۲۳ گیوه سفید رنگ در پای مرد جوان، اصفهان.



تصویر ۲۵ چکمه ساق بلند پاشنه دار در پای زن و مرد، اصفهان.

طرح چکمه و نیم چکمه در آثار این دوره مشهود است که به تعدادی از آن ها اشاره می شود. تصاویری از تمثال شاه عباس در حال سوار کاری موجود است. تصویر ۲۴ طرحی با سایه پردازی به سبک طراحی های واقع گرایانه غربی با موضوع شاه عباس را نشان می دهد. در این تصویر او چکمه ای ساق بلند با لبه ای برگردان و پنجه ای نوک تیز و خمیده به سمت بالا پوشیده است. نگاره بعدی صحنه دیدار خسرو و شیرین اصفهان هر دو شخصیت برجسته داستان، چکمه های ساق بلندی از نوع پاشنه دار به پا کرده اند. همان گونه که تصویر مشاهده می شود میان پای افزار آن ها تفاوتی وجود ندارد، حتی تزئینات لایه بالایی پای افزارها مشابه یکدیگر هستند. بنابراین چکمه ها نیز در دو نوع پاشنه دار و بدون پاشنه رایج بوده است. (تصویر ۲۵)

نگاره بعدی مربوط به نسخه تاریخی خمسه تهماسبی،^{۲۴} پیرزنی در حال اعتراض به سلطان سنجر سلجوقی ترسیم شده است. سبک این نگاره به شیوه مکتب دوم تبریز است. بخشی از آن در نمایش چکمه های ساق بلند پیرزن در تصویر ۲۶ آمده است. این نگاره و نگاره قبلی مبین استفاده زنان از چکمه های معمولی و گرانبها در این دوره است. تصویر ۲۷ بخشی از یک نگاره از خمسه تهماسبی انتخاب شده که در آن فردی در حال بریدن چوب درخت است. وی نیم چکمه ای بندینک دار از نوع نیم چکمه های تیموری پوشیده است. با اندکی دقت و قیاس بین این نگاره و تصاویر نیم چکمه در بخش تیموریان می توان متوجه شباهت میان آن ها شد. در سیاه قلم دیگری به سبک اصفهان، طرحی با خطوط روان از یک درویش جوان دوره صفویه مشاهده می شود که نیم چکمه ای از نوع ساده و بدون بندینک به پا دارد. (تصویر ۲۸).



تصویر ۲۶ چکمه ساق بلند در پای پیرزن، بخشی از نگاره خمسه تهماسبی.



تصویر ۲۷ نمایش چکمه نیم ساق بندینک دار، تصویر ۲۸ چکمه نیم ساق ساده در پای درویش بخشی از نگاره خمسه تهماسبی. جوان، اصفهان.

نکته ای که در خصوص این نیم چکمه ها جالب توجه است، طرحی است که در نقاشی های رنگ روغن اروپاییان در لباس ایرانی مشاهده می شود. در تصویر ۲۹ نیم چکمه ای در پای یک زن اروپایی در پوشش لباس ایرانی مشاهده می شود که ساق آن طرح دار است. از سویی دیگر این طرح با توصیفات مهرآبادی به نقل از سیاح دیگری به نام سانسون، با پای پوش زنان این دوره منطبق است. او در این خصوص چنین عنوان کرده است: «[آن ها] در زمستان پوتین های ساق بلندی را که لبه های آن را زینت می کنند، می پوشند»^{۲۵} از آن جا که در توضیحات تصویر کفش، «پوتین» عنوان گردیده است نمی توان آن را بدون ساق در نظر گرفت. در نقاشی هم این مطلب کاملاً واضح است. به احتمال زیاد این نیم چکمه های طرح دار، مورد استفاده زنان ثروتمند بوده است. بد نیست در این میان به توصیفات برخی از سیاحان در خصوص نوع دیگر پوشش پا یعنی جوراب، اشاره کنیم. برخی از این سیاحان چون تاورنیه معتقد بودند از زمان ورود اروپاییان به ایران، استعمال جوراب معمول شد، در حالی که برخی از مورخین لباس، بر این باورند که استفاده از جوراب در ایران از زمان های کهن متداول بوده است. «دلاواله» نیز درباره ایرانیان زمان صفویه این گونه می نویسد: «جوراب از نخ ظریفی است که ما به آن نخ پارسی می گوئیم و رنگ های آن متنوع است، البته منظورم جوراب مردان است زیرا زنان جوراب مخملی یا زربفت و به طور کلی هر چه مطابق سلیقه آنان است می پوشند»^{۲۶}

۲۴- خمسه تهماسبی در زمان شاه تهماسب توسط نگارگران برجسته آن عهد اجرا شد. این نسخه به خط ی محمود نیشابوری است و در حال حاضر در کتابخانه بریتانیا [لندن] نگهداری می شود. (رویین، پاکباز، دایرةالمعارف هنر، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۱، ص ۲۰۶).

۲۵- میترا، مهرآبادی، زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی، نشر آفرینش، نشر روزگار، تهران، ۱۳۷۲، ص ۴۳.

۲۶- پیتر و دلاواله، سفرنامه پیتر و دلاواله، ص ۱۴۴.



تصویر ۳۰ جوراب بانوان به شکل پوتین منسوج، دوره صفوی.



تصویر ۳۱ نمایش جوراب کیسه مانند در بخشی از نگاره، دوره صفوی.



تصویر ۲۹ نقاشی رنگ روغن از یک زن اروپایی در لباس زنان صفوی.

در مجموع از این سخنان می توان این گونه استنباط کرد که زنان به ویژه ثروتمندان از نوعی جوراب زربفت یا مخملی، که در واقع نوعی پارچه گرانبها محسوب می شد، استفاده می کردند و این جوراب ها به لحاظ شکل و قالبی که داشتند چکمه به نظر می رسیدند. (تصویر ۳۰)

در این میان در کتب تاریخ لباس به توصیفات شاردن از جوراب ایرانیان نیز توجه خاصی شده است. او جوراب ایرانیان زمان صفویه را این گونه توصیف می کند: «جورابها پشمینه است و چنانکه گویند سرراست [یکسره] می باشد، یعنی به مانند کیسه ای برش یافته و رعایت ترکیب ساق پانته شده است. ساقه ها فقط به زانوان می رسد و در زیر زانو آن را می بندند. به پاشنه جوراب قطعه چرم قرمزی که با دقت بسیار تعبیه می شود، می دوزند.»^{۲۷} از این توصیفات می توان به راحتی استنباط کرد که الگوی جوراب ها همانند جوراب های امروزی نبوده و مانند کیسه ای به پا می کردند. (تصویر ۳۱)

لازم به ذکر است که در این دوره علاوه بر پوشش هایی که به آن اشاره شد، همچون دوران قبل از پاتابه و یا همان مچ پیچ نیز استفاده می کردند. با کمی دقت نظر در خصوص تصاویر ۲۳ و ۲۷ می توان به صحت این مطلب پی برد. البته احتمال می رود که این پوشش در آغاز میان طبقات مختلف مردم حتی پادشاهان رایج بوده اما به تدریج کاربرد آن در میان روستاییان و دهقانان محدود می شود به این طریق که « آنها پا برهنه راه می رفتند یا پاهایشان را با نوارهای کتان می پیچیدند و کفش های تخت با زیره های چرمی سبز رنگی که به آن ها بندهایی متصل بود [چاروق]^{۲۸} به پا می کردند.»^{۲۹}

نظیر چنین پوششی، میان روستاییان عصر حاضر نیز دیده شده است. در آخر جهت رسیدن به نتیجه نهایی یک جمع بندی کلی در خصوص پای پوش های مرسوم در این ادوار خواهیم داشت.

۲۷- زان، شاردن، سیاحتنامه شاردن ج ۴، محمد عباسی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۶، ص ۲۱۲.
 ۲۸- چارق، واژه ای ترکی است و به گونه ای کفش چرمی که پا را داخل آن می گذارند و سپس بندهای آن را می کشند تا به دور پا جمع شود و بندها را دور ساق پا می پیچند و گره می زنند. (شهرداد، میزایی، واژه نامه توصیفی کفشگری، نشر دیبایه، تهران، ۱۳۸۶، ص ۶۷).
 ۲۹- دیبا، سودآور، پوشاک در ایران زمین، پیمان متین، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۳، ص ۲۱۰.



نتیجه گیری:

سلسله های ایلخانی، تیموری و صفوی، از نظر موقعیت های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری در تاریخ ایران، از ادوار بسیار مهم اسلامی محسوب می شوند. در این مقاله مروری بر یکی از اجزای پوشاک ایرانی، یعنی پای پوش ها صورت گرفت. با توجه به طرح های معرفی شده می توان شباهت ها و تفاوت هایی را در نحوه کاربرد و شکل و تزئین آن ها استخراج کرد. برای این منظور با یک جمع بندی کلی از پای پوش های سه دوره ایلخانی، تیموری و صفوی، می توان به درک بهتری از اشتراکات و افتراقات موجود میان آنان رسید.

در دوره ایلخانی با سه گروه کفش ساق بلند، نیم ساق و بدون ساق مواجه شدیم که در مجموع ساختاری ساده داشتند و اکثراً از چرم تهیه می شدند. در این میان تنها چکمه های پادشاهان با سنگ ها یا فلزات گرانبها مزین می شد. نکته جالب توجه دیگر، شباهت پای پوش ها میان زنان و مردان است. چنین روندی در طراحی پای پوش های دوران تیموری نیز به چشم می خورد. سه گروه از پای پوش های دوران تیموری نیز دارای ساختاری مشابه شکل ظاهری کفش های دوران ایلخانی است. اما در کنار این شباهت های کلی، شاهد تفاوت هایی هستیم که بیانگر رشد خلاقیت کفاشان آن دوره است. به فرض مثال، در این دوره نیم چکمه ها بندینگ دار شده و یا برش هایی در طرفین پا دارند، بنابراین با نمونه های ساده قبلی متفاوت هستند. در خصوص کفش های بدون ساق نیز حداقل به سه طرح آن اشاره شد که در عین داشتن شباهت با نمونه های پیشین، دارای تفاوت هایی در اجزایی نظیر بند و یا نوع برش ها هستند. تزئینات در پای پوش ها نیز کماکان در میان پادشاهان و افراد عالی رتبه دیده می شود. در دوره صفوی کفش مرسوم میان اکثر مردم راحتی های پاشنه دار یا بدون پاشنه تشخیص داده شده است. البته در کنار این کفش های بدون پشت [راحتی]، سایر کفش های بدون ساق و ساده ادوار گذشته نیز کاربرد داشته اند. چکمه های ساق بلند نیز بیشتر در میان شاهان و یا اشراف، در زمان های خاص نظیر شکار یا اسب سواری پوشیده می شد. در مجموع با یک نگاه کلی به پای پوش های این دوره می توان افزایش تنوع در طرح و خلاقیت را حس کرد. نکته ای که در این میان مطرح است مشترک بودن اکثر طرح کفش های زنانه و مردانه در این ادوار است زیرا با وجود تمایز در تن پوش ها و سرپوش ها، پای افزارهایشان به طور کامل از یکدیگر تفکیک نشد. در خصوص رنگ کفش ها باید گفت، در دوران ایلخانی و تیموری پای پوش ها از تنوع رنگی خوبی برخوردار بودند. این موضوع در نگاره های به جا مانده کاملاً مشهود است. بنابراین نمی توان گفت که رنگ خاصی بیش از همه مورد توجه بوده است. در حالی که در دوره بعد یعنی صفویه، بر اساس یادداشت های اکثر سیاحان، رنگ سبز، به عنوان رنگ غالب شناخته شده است. در مجموع با نگاهی اجمالی به نمونه پای پوش های مطرح شده در این مقاله می توان به پیشرفت در طرح، نقش و رنگ آن ها پی برد. به عبارتی می توان ادعا کرد که خلاقیت در طراحی پای پوش ها در هر سه دوره همچون سایر هنرها ملموس و چشم نواز است. تا جایی که برخی از این طرح ها منبع الهام خوبی جهت طراحی کفش های امروزی به شمار می روند. امید است که با دقت هرچه بیشتر در آثار تصویری و متون به جا مانده از ادوار مختلف بتوان به جزئیات بیشتری در خصوص طراحی پای پوش ها دست یافت تا از این طریق گامی مثبت در راستای معرفی تاریخ پوشاک ایران برداشته شود. برای تکمیل نهایی بحث سعی شده است در جداول ۱ و ۲ نمونه های اصلی هر سه دوره گنجانده شود تا از این طریق مقایسه کاملی میان نکات ذکر شده و تصاویر پای پوش ها صورت پذیرد.

فهرست تصاویر:

- ۱- نمایش پای پوش نیم ساق، از جامع التواریخ، منبع ۲۰، ص ۲۵.
- ۲- پای پوش های ساق بلند به همراه تزیینات در پای سلطان، شاهنامه فردوسی، منبع ۲۲، ص ۸۳۷.
- ۳- نمایی از پای پوش های ساق بلند، شاهنامه فردوسی، منبع ۲۲، ص ۸۳۷.
- ۴- پای پوش بدون ساق، عجایب المخلوقات قزوینی، منبع ۲۰، ص ۴۵.
- ۵- نمایش پای پوش بدون ساق در پای زال و چکمه نیم ساق ندیمه های ترک رودابه، منبع ۲۰، ص ۴۲.
- ۶- نمایش چکمه سیاه در پای مادر رودابه، شاهنامه فردوسی، منبع ۲۳، ص ۲۳۵.
- ۷- نمایش پای پوش بدون ساق و نیم ساق، دوران تیموری، خمسه نظامی، منبع ۲۰، ص ۱۱۶.
- ۸- نیم چکمه ای بندینک دار، منطق الطیر عطار، منبع ۲۳، ص ۲۵۲.
- ۹- پای پوش بند دار بدون ساق با رویه بلند در پای فرهاد، خمسه نظامی، منبع ۲۳، ص ۳۱۴.
- ۱۰- چکمه در پای بهرام گور، خمسه نظامی، منبع ۲۳، ص ۳۱.
- ۱۱- انواع پای پوش های پاشنه دار، ظفرنامه شرف الدین علی یزدی، منبع ۲۳، ص ۱۱۶.
- ۱۲- نمایش کفش بدون ساق با لبه کنگره دار، نقاشی روی ابریشم، سمرقند یا هرات، منبع ۲۳، ص ۲۳۶.
- ۱۳- پای پوش ساده و بدون ساق زنان، نسخ خطی منبع ۲۰، ۱۰۳.
- ۱۴- پای پوش بدون ساق و نوک تیز زنان در صحنه نشان دادن عکس خسرو به شیرین، منبع ۲۳، ص ۱۶۲.
- ۱۵- چکمه های رنگین در نگاره ای با عنوان زندانیان نزد خسرو، منبع ۲۰، ص ۷۷.
- ۱۶- مچ پیچ، منطق الطیر عطار، منبع ۲۳، ص ۲۵۲.
- ۱۷- مرد ایرانی در لباس دوران صفوی با پای پوش هایی به شکل راحتی، منبع ۱۸، عکس ۱۴.
- ۱۸- تاورنیه در در پوشاک عهد صفوی با پای پوش های مرسوم آن دوره، همان، عکس ۱۵.
- ۱۹- کفش های بدون ساق و پاشنه دار ایرانی در پای یک زن اروپایی، منبع ۱۵، ص ۴۲.
- ۲۰- دو شاهزاده جوان با کفش هایی به سبک راحتی بدون پاشنه، تبریز/قزوین (۹)، منبع ۲۱، ص ۳۱.
- ۲۱- دختر جوان با کفش هایی به سبک راحتی، اصفهان، منبع ۱۵، ص ۴۵.
- ۲۲- پای پوش هایی به سبک راحتی در طراحی سیاه قلم از محمد حسین، منبع ۲۱، ص ۱۵۲.
- ۲۳- گیوه سفید رنگ در پای مرد جوان، اصفهان، منبع ۲۳، ص ۲۳۴.
- ۲۴- چکمه ای ساق بلند با پنجه ای نوک تیز در در پای شاه عباس سوار بر اسب، منبع ۱۸، ص ۹.
- ۲۵- چکمه ساق بلند پاشنه دار در پای زن و مرد، اصفهان، منبع ۲۱، ص ۷۶.
- ۲۶- چکمه ساق بلند در پای پیرزن، خمسه تهماسبی، منبع ۲۳، ص ۲۱۶.
- ۲۷- نمایش چکمه نیم ساق بندینک دار، خمسه تهماسبی، همان، ص ۱۸۳.
- ۲۸- چکمه نیم ساق ساده در پای درویش جوان، کار رضا، منبع ۲۱، ص ۱۳۸.
- ۲۹- نقاشی رنگ روغن از یک زن اروپایی در لباس زنان صفوی، همان، ص ۲۳۴.
- ۳۰- جوراب بانوان از دوران صفویه به شکل پوتین منسوج، منبع ۱۲، ص ۴۷۱.
- ۳۱- نمایش جوراب کیسه مانند، مربوط به دوره صفوی، همان، ص ۴۴۷.

فهرست منابع:

- ۱- امبرتو، شراتو، گروبه، ارنست، هنر ایلخانی و تیموری، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی، ۱۳۸۴.
- ۲- بوسورث، کلیفورد ادموند، سلسله های اسلامی، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱.
- ۳- بیانی، شیرین، مغولان و حکومت ایلخانی در ایران، سمت، تهران، ۱۳۸۴.
- ۴- پاکباز، روین، نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، تهران، انتشارات زرین سیمین، ۱۳۸۰.
- ۵- پاکباز، روین، دایرة المعارف هنر، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۱.
- ۶- تاورنیه، ژان باتیست، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب غفاری، انتشارات کتابخانه سنایی، ۱۳۶۳.
- ۷- دلاواله، پیتر، سفرنامه پیتر و دلاواله، ترجمه شعاع الدین شفاء، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.
- ۸- سوداور، دیبا، پوشاک در ایران زمین، ترجمه پیمان متین، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۳.
- ۹- شاردن، ژان، سیاحت نامه شاردن (ج ۴)، ترجمه محمد عباسی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۳۶.
- ۱۰- ضیاء پور، جلیل، پوشاک ایرانیان از چهارده سده پیش، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، بی تا.
- ۱۱- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۳.
- ۱۲- غیبی، مهر آسا، تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، تهران، هیرمند، ۱۳۸۵.
- ۱۳- کریمیان، حسن، مژگان، جایزه تحولات ایران در عصر صفوی و نمود آن در هنر نگارگری، دو فصلنامه مطالعات، هنر اسلامی، شماره هفتم، سال چهارم ۱۳۸۶، صص ۶۵-۸۸.
- ۱۴- کونل، ارنست، هنر اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی، ۱۳۸۰.
- ۱۵- معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۵، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۲.
- ۱۶- مهرآبادی، میترا، زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی، نشر آفرینش، تهران، نشر روزگار، ۱۳۷۲.
- ۱۷- میرجعفری، حسین، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران تیموریان، تهران، سمت، ۱۳۷۹.
- ۱۸- میزایی، شهرداد، واژه نامه توصیفی کفشگری، تهران، نشر دیبایه، ۱۳۸۶.
- ۱۹- نوایی، عبدالحسین، ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، تهران، نشر هما، ۱۳۶۴.



- 20- Basil, Gray, *Persian Painting*, Britain Macmillan, London Ltd, 1979.
- 21) Janson, Graham, Foenander, Richards (Bi Ta), *Persian and Moghal Art*, London, P& Co Ltd.
- 22) Pope, Arthur Upham, *A Survey of Persian Art* (V IX), London, Oxford University Press, 1971.
- 23) Sims, Eleanor, *Peerless Images*, New Haven and London, Yale University Press, 2002.
- 24) www.hamshahrionline.ir/hamnews.